

در این زمینه، لازم است که در مورد اهمیت این امر، به ویژه در زمینه‌های مختلف، به تفصیل بحث شود. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و رفاهیت مردم منجر شود. همچنین، در زمینه‌های مختلف، به تفصیل بحث شود. این امر می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و رفاهیت مردم منجر شود.

داستان تولد يك فيلم



د کتربلوهر

برای تهیه يك فيلم در اصل داشتن دوچيز ضروری است. اولی ایده و دومی سرمایه ولی این بدان معنی نیست که دارنده ایده و یا کارگردان حتماً باید سرمایه دار باشد و یا بخاطر اینکه چون مثلا کارگردان با تهیه فیلمی می‌خواهد حرفه‌ای بزند نباید انتظار درآمد مالی و معنوی را داشته باشد زیرا اگر چنین باشد در اینصورت کار خیلی ساده‌تر بوده و احتیاجی نخواهد بود که کارگردان در کادر وسیع‌تر و گسترده‌تری اطراف و جوانب تکنیکی و هنری فیلم را در نظر بگیرد!

بجرات می‌توان گفت با وجود پیشرفت‌های حیرت‌انگیز تکنیک و صنعت و تجربیات موفقیت‌آمیز در اقتصاد و تجارت و گسترش و تکامل میدان دید و تفکر انسانی در شناخت زیبایی و حتی ایجاد رشته فیلمولوژی جهت مطالعات علمی و فنی و هنری صنعت سینما هنوز هم بشر نتوانسته است چنانچه باید و شاید حق مطلب را در مورد سینما توگرافی این پدیده نوظهور

تفکر و تخیل و ابتکار شگفت‌انگیز انسان بخاطر زندگی و برای انسان ادا نماید. زیرا که دامنه درگیری این صنعت با زندگی انسانها و طبیعت و گذشته و حال و آینده و خلاصه با همه مطالب اوپژکتیف و سوپژکتیف جهان بقدری وسیع و نامحدود است که هر آن به‌مراه تکامل و تغییرات فکر و ادراک انسانی و باکشف مجهولات مادی و معنوی زندگی در تغییر و تکامل بوده و در هر مرحله خاصی از زمان شکل و رنگ و تکنیک و قدرت القاء و امپرسیون دیگری را دارا می‌گردد و بنا بر این تا این لحظه انسان هر چه که از هنر و صنعت سینما میدانند قسمت کوچکی است از آن اندیشه‌ها و تخیلات بسیار وسیعی که یقیناً در زمینه‌های تکنیکی و استتیک هنر و صنعت سینما میتواند داشته باشد.

يك فيلم چیست؟

يك فيلم برای تهیه‌کننده يك شغل و کار، برای کارگردان ماهها تشویش و اضطراب و نگرانی و رنج و زحمت، برای پخش‌کننده يك کالای تجاری و محصول تولیدی، برای صاحب سینما يك شانس و منبع روزی و برای تماشاگر نیز در مقابل پرداخت سه تومان پول مقداری وقت گذرانی و لذت و یا احیاناً عصبانیت و دلهره و اضطراب!

اثبات موجودیت مادی و بقای فیلم نیز بسیار مشکل است، زیرا فیلمی که در روی اکران تماشا می‌کنیم در مدت ۹۰ دقیقه متولد میشود و می‌میرد و سپس بفاصله کوتاهی یا بلند بکلی فراموش شده و چیزی از آن در اذهان نمی‌ماند مگر احیاناً خاطره‌ای مقطعی و نامفهوم بصورت اسکیز يك تابلوی نقاشی که تازه کیفیت این اثر و یا امپرسیون آن نیز به‌عوامل بسیاری از جمله به توانائی ایده و قدرت اجرایی تکنیکی و هنری هر فیلم بستگی خواهد داشت. چنانچه میدانیم بسیاری از فیلم‌ها هستند که همان در آستانه در خروجی سالن سینما فراموش شده و اثری از آن در سلولهای مغزی تماشاگر باقی نمی‌ماند و این بدان معنی است که تمام مساعی و تلاش چندین ماهه يك کارگردان و همکارانش بعلت عدم درک ضرورت‌ها و شرایط محیط و خصوصیات روانی و خواسته‌های مردم و همین‌طور بعلت ضعف تکنیک و آگاهی کامل به دانش هنر سینما و برداشت ایده و داستانی پوچ و ضعیف و نارسائی اجرای ناشیانه آن در يك آن تبدیل بباد هوا شده است!

بعد از ۹۰ دقیقه که مدت نمایش يك فيلم داستانی است چیزی که از آن باقی می‌ماند چندتا بوبین محتوی حدود دو کیلومتر و نیم نوار سلولوئید عکس دار که احیاناً کوپی‌هایی نیز دارد و چندتا بوبین حاوی نکاتیف فیلم در گوشه انبار! که احتمالاً همه اینها بزودی به قبرستان فیلم‌های ازمدافتناده و بی‌ارزش و فراموش شده منتقل میشوند! و از اینجا بمشکلات عدیده و ریسک‌های خطرناک تهیه يك فيلم سینمایی میتوان پی‌برد چرا که قوی‌ترین و با ارزش‌ترین فیلم‌ها چون دريك زمان معین و با تکنیک‌ها و امکانات و اندیشه‌های مختص آن زمان ساخته شده طبیعی است که با گذشت زمان و پیشرفت و تکامل تفکر و تخیل و سلیقه و

خواستها و تمایلات روحی و جسمی انسانها بی ارزش شده و به بوته فراموشی سپرده خواهد شد و احیاناً ممکن است تعداد کمی بعلت داشتن برخی خصوصیات از نظر بررسی تاریخ سینما در آرشیوها نگهداری شده و گاهی در مراسم رسمی و یا مراکز آموزشی و غیره مجدداً بنمایش گذارده شود و اگر چنانچه نمایش مجدد برخی از فیلم‌ها که با اصطلاح آنها را فیلم‌های تکراری مینامند بازهم توجه تعدادی تماشاگر را بخود جلب مینماید بعلت موقعیت‌های خاصی است که آن فیلم دارا بوده و مسلماً هم اکثر تماشاگران بار دوم کسانی هستند که بار اول آن فیلم را ندیده بودند.

ایده

ایده و داستان يك فیلم را هر کسی که قدرت تخیل و یا ذوق نویسندگی و هنری دارد می‌تواند انتخاب نموده و بيك تهیه‌کننده و یا کارگردان پیشنهاد نماید منتها باید گفت که قبل از هر چیز باید ایده و داستانی را که بصورت سناریو در آمده به اداره مربوط در وزارت فرهنگ و هنر ارائه دهد تا در صورت تصویب و تأیید و ضبط در دفاتر مربوط رسماً اجازه فیلم برداری آن صادر گردد و البته این مقرراتی است که در همه کشورهای دنیا مرسوم است و علت این امر در درجه اول اینست که ارزش هنری و اجتماعی و فرهنگی داستانی که قرار است فیلم شود قبلاً توسط متخصصین امر مورد تصدیق قرار بگیرد و الا هر کسی ممکن است هر آنچه که بعقلش رسیده و بنظر خودش مطلب جالبی آمد تبدیل بفيلم کند و از این راه از نظر فرهنگ و هنر اجتماعی تولید يك هرج و مرجی نماید زیرا که مسلماً هر فکر و ایده‌ای که بنظر شخصی خطور می‌کند سینمایی نبوده و ارزش فیلم شدن را نخواهد داشت و شایسته است که طرح اولیه هر فیلم سینمایی که همان ایده و سناریوی آن می‌باشد توسط يك ارگان صلاحیت‌دار قبلاً مورد بررسی قرار بگیرد و مسلماً مسئولیت هنرمندان و صاحب نظرانی که در وزارت فرهنگ و هنر وظیفه کنترل را دارند بسیار دقیق و حساس می‌باشد زیرا که این ارگان بهمان اندازه که باید سعی کند از داستانها و سناریوهای مبتذل و بی‌معنی و گاهی مضر و منحرف‌کننده جلوگیری نماید ضمناً باید تسهیلات بیشتری برای آثار پرارزش و بکر و پرمایه فراهم نماید و در اینجا یاد آور می‌گردد که گاهی در بین فیلمهای فارسی نمونه‌هایی می‌بینیم که داستانش کپیه دست و پا شکسته و تکراری يك فیلم هندی یا آمریکائی است و یا داستانهایی که بارها در تلویزیون نمایش داده شده و مجدداً با نام و عنوان دیگری فیلمسازی شده و دراکران سینماهای عمومی بخورد مردم داده می‌شود و تصور می‌نماید که این عدم توجه فقط بنفع عده‌ای عوام‌فریب که بنحوی ازانحاء و تحت برنامه‌هایی بی‌ارزش شهری بهم زده‌اند تمام می‌شود و اگر هم این قبیل فیلم‌ها توسط عده زیادی از مردم هم استقبال شود همه کس می‌داند که این استقبال کاملاً کاذب بوده و پایه

و اساس استقبال آنها همان مایه های تبلیغات جنجالی و مسخره بازیهای قبلی و بی ارزش يك يا دونفر هنرپیشه اصلی آن می باشد. پیداست که اداره هنرهای نمایش باید از این قبیل ماجراهای شبه هنری که صرفاً جنبه عوامفریبی بمنظور بهره گیری های مادی است جلوگیری نماید زیرا که مسلماً این قبیل اقدامات نه تنها به پیشرفت فرهنگ و هنر کشور کمکی نمی کند بلکه سبب جمود و رکود فکری و عقب ماندگی مستقبلین این قبیل نوارهای متحرک نیز می گردد!

از اسکلت سناریو تا سناریو

اسکلت سناریو در حقیقت خلاصه فشرده ای است از سناریوی اصلی که همان شکل اجرایی و نمایش داستانی است که قرار است بصورت فیلم درآید. در اسکلت سناریو تم اصلی داستان به سکانس ها و صحنه ها تقسیم شده و میزان سن ها و موقعیت پرسناژها و تعداد آنها کاملاً مشخص گردیده است. اسکلت سناریو باید بقدر کافی ایده و هدف داستان فیلم را بیان نماید و طوری باید تنظیم گردد که خواننده با مطالعه آن بمنظور و هدف نویسنده و چگونگی داستان پی ببرد. در اسکلت سناریو دیالوگ ها و گفتار پرسناژها را بطور کامل ذکر نمیکنند و این قسمت در سناریوی اصلی که بدست کارگردان و هنرپیشه ها داده خواهد شد تکمیل خواهد گردید. برای بررسی و کسب اجازه فیلم برداری معمولاً باید سناریوی اصلی را تحویل نمایند بهر حال این کار باید قبل از هر چیز انجام بگیرد و امور مربوط به سرمایه گذاری و انتخاب کارگردان و سایر کارها مسائلی است که بعد از تصویب و تأیید سناریو و داستان فیلم اقدام خواهد شد. در تنظیم سناریوی فیلم ممکن است کسی که مبتکر اصلی ایده و یا داستان آن میباشد خود شخصاً اقدام نماید ولی اگر به تکنیک و هنر خاص سناریو نویسی آشنائی نداشته باشد در این صورت باید ایده و داستان خود را در اختیار يك سناریست حرفه ای قرار دهد تا داستان از نظر سینما و فیلم برداری بصورت مناسب و منطقی تنظیم و تحریر گردد.

میتوان سناریوی يك فیلم را از يك رمان نوشته شده برداشت نمود و مسلماً برای این کار همکاری يك نفر سناریست حرفه ای لازم خواهد بود چون بدیهی است که همه مطالب داستان يك رمان را نمیتوان بصورت فیلم درآورد و سناریست با تبحری که دارد میتواند قسمتهای مختلفی از آنرا که جنبه سینمایی دارند انتخاب نموده و با تقسیم بندی بسکانسها و صحنهها و رعایت دقیق تم اصلی داستان سناریوئی بوجود آورد که اجرای نمایشی آن حدود ۹۰ دقیقه طول خواهد کشید. در مواردیکه داستان فیلم حاوی بعضی نکات تخصصی و یا علمی و فنی است سناریست و کارگردان فیلم جهت کسب اطلاع بیشتر و تداوم منطقی داستان باید

با متخصصین مربوط مشورت نموده و قسمت‌های علمی و فنی داستان را با نظر آنان تنظیم نماید.

بعنوان مثال اگر در يك سناریوی فیلم مطالب پزشکی و بیمارستانی مطرح شود بهتر است در این مورد يك نفر پزشك و یا مدیر بیمارستان همکاری کند.

کارگردان:

ممکن است يك سناریست خودش کارگردان نیز باشد ولی این امر معمولاً استثنائی خواهد بود و کارگردانهای خیلی با استعدادی که در ضمن نویسنده نیز هستند ممکن است دست باین کار بزنند و ما از کارگردانهای معروف چند نفر بیشتر نمیشناسیم که علاوه بر کارگردانی داستان، سناریوی فیلم را نیز خودشان می‌نویسند و از آنجمله میتوان اینزشتین چارلی چاپلین و اورسن ولز را نام برد که تا کنون شایستگی خودشان را هم در انتخاب داستان و تنظیم سناریو و هم در کارگردانی آن بنحو احسن نشان داده‌اند.

ولی کلا کارگردان کسی است که داستان و سناریوی خود را از میان داستانها و سناریوهای متعددی که با او پیشنهاد میشود انتخاب میکند.

کارگردان ممکن است نسبت بسلیقه و سبک کار خود و یا بعلل فنی و تکنیکی تغییراتی در سناریوی انتخابی بدهد و کلا تعیین هنرپیشه‌ها و محیط بازی و اوپراتورها و سایر همکاران و اینکه آیا فیلم رنگی یا اسکوپ خواهد بود با کارگردان می‌باشد.

در این میان برخی فیلم‌ها هستند که آنها را فیلم‌های سفارشی مینامند یعنی ممکن است تهیه يك نوع فیلم از طرف شخص یا اشخاصی بکارگردان سفارش داده شود و مسلماً چون کارگردان احتمالاً مجبور است نظریات سفارش دهنده را رعایت نماید لذا نخواهد توانست چنانچه شاید و باید استعداد و هنر خود را بمرسه ظهور برساند و شاید هم تهیه این قبیل فیلم‌ها سبب شود که اختلافاتی بین کارگردان و سفارش دهنده ایجاد شود و بدین دلیل است که کارگردانهای واقعی و معروف معمولاً سناریو و داستانی را بصورت سفارش می‌پذیرند که مطابق ذوق و سلیقه خودشان نیز باشد و الا اگر هر کارگردانی بطور کامل بساز تهیه کننده و سرمایه گذار یا سفارش دهنده بر قصد در این صورت کارگردان عروسکی بیش نبوده و باید فقط بمیل سرمایه گذار بچپ یا راست بچرخد و از خاصیت وجودی اش تنها چیزی که دیده میشود ذکر نامش در آفیش‌ها و در تیتراژ فیلم خواهد بود.

کارگردان پس از دریافت یا انتخاب سناریوی مورد نظر دو کار روی آن انجام می‌دهد:

یکی تنظیم صحنه‌ها و تصاویر و کادرها و صداها افها و افکت‌ها در روی کاغذ که آنرا

تحت عنوان دکوپاژ ذکر می کند و دیگری انتقال و تبدیل نوشته ها بنصویر در روی نوار فیلم حساس می باشد شامل مراحل فیلم برداری و کلیه کارهای فنی و تکنیکی بعدی است که انجام آنها جهت تهیه و آماده نمودن يك فیلم ضروری و حتمی است . باید یاد آور شد که این کارگردان است که با مهارت و سلیقه و دانش و هنر خودش باید نوشته های خطی را به تصاویر زنده ای که با هم يك مجموعه منطقی و مداومی را تشکیل میدهند تبدیل نماید .

انتخاب وسایل و عوامل مورد نیاز: تعبیر موفقیت يك فیلم از نظر تهیه کننده

و پخش کننده و متورانس و منقد متفاوت خواهد بود. تهیه کننده و پخش کننده می خواهند که بهتر ترتیبی شده فیلم شان خوب بگیرد یا با اصطلاح بازار خوب کار کند و هر چه بیشتر منافع مادی بیشتری عایدشان نماید منقد هم که فقط منتظر است يك فیلمی بسازند و بنمایش بگذارند تا او نسبت به قدرت و توانائی و یا سلیقه و اعتقادات و تمایلات خودش آنرا بگوید و از ارزش بیندازد و یا آنکه مورد تعریف و تمجید قرار دهد و یا در مورد نکات مثبت و منطقی آن قلم فرسائی نماید و باو هیچ هم مربوط نیست که فیلم با چه مشقاتی تهیه گردیده و چقدر سرمایه بالایش گذاشته اند . ولی در این میان تنها کسی که غیر از مسایل مادی به مطالب دیگری نیز میانديشد کارگردان است که کلا در اذهان عمومی فیلم را بنام او میشناسند و مردم از تهیه کننده و پخش کننده و سایر عوامل خبر چندانی ندارند و اگر فیلمی از نظر ارزش های هنری و تکنیکی و داستان و سناریو و فیلم برداری و ضبط و صدا برداری و غیره و غیره ایراد و یا نقائص داشته باشد همه را پپای کارگردان بیچاره می نویسند و اگر چنانچه فیلمی هم با اصطلاح خوب کار کند و درآمد خوبی داشته باشد معمولاً به جیب تهیه کننده و پخش کننده و صاحب سینما خواهد رفت و کارگردان سهمی از آن نخواهد داشت و باید گفت که نفع بزرگ هر کارگردان از ارزش های هنری و معنوی و بطور کلی مسایل کیفی فیلم خواهد بود که در صورت موفقیت موقعیت او را استحکام بخشیده و برای کارهای بعدی اش میدان وسیعتری باز خواهد نمود و بنابراین کارگردان بهتر ترتیبی شده مجبور است تلاش نماید تا از نظر سینما و گرافی کار بهتری ارائه دهد والا اگر صرفاً تسلیم نظرات تهیه کننده و سرمایه گذار گردد احتمال شکست بیشتری داشته و اگر فیلمی را که بدین نحو تهیه میکند نگیرد اولین کسی که بعداً باو کار رجوع نخواهد کرد همین تهیه کننده خودش خواهد بود چونکه سرمایه گذار نیز مثل سایر مردم همه کاسه کوزه ها را بسر کارگردان خواهد شکست و بجای خود او را مقصر اصلی شکست فیلم خواهد دانست .

بهر حال جهت اجرای طرح تولید يك فیلم کلیه عوامل مورد نیاز را فراهم کرده و اطراف و جوانب کار بایستی در نظر گرفته شود. قبلاً باید به بسیاری از سؤالات کارگردان و تهیه کننده با در نظر گرفتن امکانات و اوضاع و احوال و شرایط پاسخ داده شود . مثلاً

آیا فیلم رنگی خواهد بود؟ در فضای آزاد و طبیعت فیلم برداری خواهد شد؟ یا کدام اپراتور و هنرپیشه‌های زن و مرد را باید به همکاری دعوت کرد. همینطور مطالب مربوط به سانسورها نیز نباید از نظر دور داشت چرا که عدم توجه باین امر مهم ممکن است باعث ضرر و زیان جبران ناپذیری گردد و باید دقت نمود که مسائلی در داستان فیلم گنجانیده نشود که از نظر اجتماعی و فرهنگی با اصطلاح مستهجن و زیان آور باشد. خلاصه جهت فراهم آوردن همه وسایل و ابزار کار از انسان گرفته تا ماشین و ساختمان و محل فیلم برداری و پروژکتورها و فیلم خام و دکور و لباس و غیره کارگردان باید با مدیر تهیه و آسپستان خود نسبت با امکاناتی که از طرف سرمایه گذار در اختیار گذاشته شده همکاریهای نزدیکی قبلاً بعمل آورد و همه جزئیات امر در روی کاغذ قید گردد و بعبارت دیگر پلان کلی حرکت همه عوامل قبل از آغاز چرخش دوربین و ضبط تصاویر باید تعیین و مشخص گردد.

سرمایه يك فيلم را از كجا باید تأمین کرد ؟

سابق بر این يك فيلم سیاه و سفید ۹۰ دقیقه‌ای داستانی بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ هزار تومان تمام میشد ولی در شرایط فعلی این رقم تا چهار صد هزار تومان برای فیلم سیاه و سفید و ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تومان برای فیلم رنگی افزایش پیدا کرده است. در مورد تهیه فیلم رنگی چون فیلم مخصوصی بکار میرود و برای فیلم برداری پروژکتورهای بانورهای بسیار قوی لازم است بعلاوه ظهور و چاپ آن نیز احتیاج به متخصصین بیشتری دارد لذا در حدود دو برابر هزینه‌های فیلم سیاه و سفید خرج بر می‌آورد.

در حال حاضر کمتر تهیه کننده‌ای سرمایه لازم را در اختیار دارد و اکثراً با مختصر سرمایه‌ای مثلاً با صد تا صد و پنجاه هزار تومان کار را شروع می‌کنند و مسلم است که بقیه را یا از بانک بصورت اعتبار و یا از اشخاص متفرقه و مخصوصاً بنگاههای پخش فیلم بدست می‌آورند که بخاطر منافع بیشتر معمولاً به تهیه کننده‌ها و کارگردانان قبل از تهیه فیلم با شرایط نسبتاً سنگین پول قرض میدهند. برخی از تهیه کننده‌ها نیز دست بدامن نزول خورها می‌شوند که عاقبت آنان معمولاً باختلاف و ورشکستگی کارگردان و تهیه کننده وحتى زندانی شدنشان منجر می‌گردد! بهترین راه برای کمک به فیلم‌سازان و مخصوصاً فیلم‌سازانی که میتوانند آثار باارزشی ارائه دهند کمک و یاری تحت ضوابطی است از طرف اتحادیه صنایع فیلم‌سازان و یا مقامات مسئول و یا شاید هم اتحادیه و سندیکای خود فیلم‌سازان که تا آنجائیکه اطلاع دارد در ایران نیز گاهی از این قبیل کمک و همکاریها برای برخی فیلم‌سازان دیده می‌شود. راه دیگری که بنظر بنده راه مناسبی نیز می‌باشد شرکت چند

نفر دوست و همکار به نسبت های معینی در تأمین سرمایه تهیه يك فيلم است که گرچه يك نوع ريسک محسوب می گردد ولی اگر با مطالعه و بررسی کافی و انتخاب داستان و سناریوی مناسب اقدام شود میتوان موفقیت بدست آورد.

گروه فنی :

معمولا در تهیه يك فيلم دو گروه فنی یا تکنیسین های متخصص شرکت میکنند .
۱- گروه تهیه و آماده گی ۲- گروه اجرایی .

در گروه تهیه : تهیه کننده و مدیر تهیه و دستیاران آنها می باشند وظیفه این گروه تهیه کلیه لوازم و وسایل و کنترل هر مرحله ای از تهیه فیلم و تعیین وقت و زمان و تأمین هزینه ها و پرداخت و غیره میباشد .

در گروه اجرایی : کارگردان با سه نفر آسیستان ، اوپراتور با سه نفر دستیار ، يك نفر دکوراتور ، يك نفر گریمور ، يك نفر مهندس افکت ها و افه ها شرکت دارند که ممکن است باینعده متخصص برق و ماشین را نیز اضافه نمود . بعلاوه پشت سر این گروه عده دیگری نیز قرار میگیرند مانند متخصص دیالوگ فیلم ، مصنف موزیک متن که کلیه این افراد باید تحت راهنمایی های کارگردان انجام وظیفه نمایند .

گاهی وقتها کارگردانها فیلم بردار و دکوراتور و موزیسین هائی را برای خودشان بصورت همکار دائمی انتخاب می کنند ولی باوجود این بر حسب شرایط و اوضاع واحوال و نوع فیلم و حتی تغییر سرمایه گذار و تهیه کننده ممکن است این اشخاص نیز تغییر پیدا کنند

دکوپاژ : سناریو در حقیقت يك پیش خط و یا اسکیز يك فيلم است و بیشتر از يك برداشت عمومی و کلی که در چند سکانس یا صحنه فشرده است مدت نمی دهد لذا در حین عمل و برای فیلم برداری باید کارهای دیگری نیز روی آن انجام بگیرد که مهمترینشان عمل دکوپاژی باشد، تنظیم تداوم داستان و تداوم دیالوگ فیلم روی صفحه کاغذ را تأمین می کند . بعد از انجام دکوپاژ سناریو را می توان فیلم برداری نمود . عمل دکوپاژ وظیفه و موقعیت

همه عوامل را قبلا تعیین می کند . مسلم است که تنها تقسیم داستان فیلم به چند پرده و سکانس که مشابه با پرده و صحنه در تئاتر می باشد نمی تواند همه جزئیات فیلم برداری را کفایت نماید . بنابراین لازم است علاوه بر سکانسها و صحنه ها کلیه پلانها و حتی شروع حرکت کامرا و توقف آن برای ضبط يك پلان قید گردد . دکوپاژ کلیه عوامل ترکیب دهنده پلانها را بطور کامل تعیین می نماید مانند دکور ، آکتور ، آکسیون ، دیالوگ ، افکت ها و صداها بمنظور خصوصیات تکنیکی ، هر پلان نیز با عمل دکوپاژ قبلا تعیین میگردد مانند بزرگی و کوچکی کادرها ، زوایای دوربین فیلم برداری ، مدت و زمان فیلم برداری ، محل و جهت های حرکت کامرا و غیره ، گاهی وقتها کارگردان در موقع دکوپاژ یا موقعیت و

کمپوزسیون يك صحنه یا پلانی را با طرح دسن‌های کوچکی تعیین می‌نماید و با گذاردن
علاماتی موقعیت و زوایای دوربین را پیش‌بینی می‌کند. بعلاوه دکوپاژ هماهنگی لازم را
جهت عبور طبیعی از يك پلان به پلان دیگر تأمین می‌نماید.

دکوپاژ همینطور موقعیت‌های فیلم‌برداری را در فضای بسته و یا در فضای آزاد و شکل
و کمپوزسیون صحنه‌ها و پلانها بطور جداگانه تعیین نموده و ارتباط منطقی آنها را باقید
کلمات و اشکال مشخص می‌سازد.

بطور کلی عمل دکوپاژ پلان و نقشه و چگونگی فیلم‌برداری با تمام نکات و جزئیات
لازم را براساس سناریوی نوشته شده پیش‌بینی نموده و بدین ترتیب سناریو از نظر اجرایی
نیز تکمیل می‌گردد.

شروع فیلم‌برداری :

برای رعایت صرفه‌جویی در فیلم‌برداری و جلوگیری از اتلاف وقت و مصرف بیش‌ازحد
فیلم خام بهتر است قبل از شروع فیلم‌برداری يك پلان فیلم‌برداری داشته باشیم صحنه‌ها را از نظر
موقعیت و دسترس بودن هنرپیشه و سایر امکانات شماره گذاری نموده و مطابق ردیف و
شماره فیلم‌برداری نه بترتیب مسیر داستان فیلم. مثلاً ممکن است آکتوری در يك صحنه حرکت
داشته باشد که مشابه آن حرکت در دو یا سه صحنه دیگر نیز تکرار شود لذا بهتر است
بدون تغییر مکان اکیپ فیلم‌برداری و حتی تغییر محیط تنها با مختصر تغییراتی در لباس
و غیره و همان محل همه آن حرکت‌های دیگر را نیز از آن آکتور فیلم‌برداری نمود همینطور
هر پلان فیلم را نیز نمره گذاری کرد و بهتر است ساده‌ترین و سهل‌الاجرا ترین پلانها را در يك
جلسه توأمآ فیلم‌برداری کرد.

بطور کلی ساخت فیلم در دو محل خواهد بود یکی در استودیو و دیگری در لابراتور
و مسلماً دور اصلی فیلم‌برداری در استودیو انجام می‌گیرد. همه اعضای اکیپ جمع میشوند
دکور آماده است، کلیه آکتورها خبر شده و لباس پوشیده و گریم شده آماده نشسته‌اند و
کارگردان میتواند با فراغ خاطر کار را شروع نماید. لازم بتذکر است که هیچ تماشاگری
نباید در حین فیلم‌برداری حضور داشته باشند.

هر پلاتوی استودیوی فیلم‌برداری ممکن است گنجایش ۱۵ تا ۷۰ نفر را داشته
باشد و وجود اشخاص متفرقه اسباب زحمت بوده سبب اتلاف وقت خواهد بود.

شماره گذاری‌های پلانها و صحنه و حتی پوزها و کومپوزسیونهای هر يك پلان کار
آینده مونتوررادر مونتاژ آسانتر خواهد نمود. ممکن است يك صحنه یا يك پلان را چندین بار
از نو فیلم‌برداری نمود و این عمل آنقدر تکرار شود تا کارگردان رضایت حاصل کند.
تصویر روی فیلم نگاتیف فیلم‌برداری می‌شود و عمل صدا برداری نیز بعداً در بانده مخصوص
آن ضبط خواهد گردید.

مونتاز : بعد از خاتمه فیلم برداری و ظهور و چاپ فیلم مهمترین کاریکه خواهد توانست نتیجه همه فعالیت های قبلی را بصورت منطقی و طبیعی نهمدیگر پیوند داده و فیلم را برای نمایش آماده سازد عمل مونتاز می باشد . مونتاز باید بدست يك تكنيسين ورزیده و باتجربه انجام بگیرد و بهتر است این تكنيسين زن باشد چرا که مونتاز کار بسیار دقیق و ظریفی است و حوصله بیشتری می خواهد که تصور می رود تكنيسين های زن از این نظر به مردها پرتری داشته باشند .

اگر رعایت نکات لازم در دکوپاژ مخصوصاً شماره گزاریه های صحنه ها و تصویرها بهتر رعایت شده باشد عمل مونتاز نیز آسانتر خواهد بود . بطور کلی مونتاز تداوم داستانی و تصویری و ارتباط منطقی صحنه ها و سکانسهای فیلم را تأمین مینماید و اگر این عمل بدست يك مونتور ورزیده و باتجربه انجام بگیرد بسیاری از معایب فیلم و نکات ضعیف را نیز می توان از بین برده و فیلم را بصورت قابل قبولی در آورد .



شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 کتابخانه مرکزی
 تهران
 کتابخانه مرکزی
 تهران